

ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روانشناسی

و جایگاه آن در خانواده

فریده محمدی سرپیری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶

احمدرضا رفیعی فروشانی^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۰۵

فرسیما خامسی پور^۳

چکیده

هدف این مقاله، بررسی و تبیین ماهیت وفاداری زوجین و نقض آن از دیدگاه روانشناسی، حقوقی، فقهی و اخلاقی است. برای رسیدن به این منظور از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات نیز با استفاده از روش کتابخانه‌ای از راهبردها و ابزارهای گوناگونی از جمله کتابها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، لغتنامه‌ها، سایتهای اینترنتی، متون چاپی نمایه شده در بانکهای اطلاعاتی و دیگر منابع مرتبط در کتابخانه‌های عمومی، تخصصی یا دیجیتال در این راستا بهره گرفته شده است. نتایج نشان داد که مطابق با قانون مدنی ایران، زوجین به حسن معاشرت با یکدیگر مکلف هستند. حسن معاشرت مفهومی عرفی دارد و یکی از تکالیف غیرمالی مشترک زوجین است. وفاداری زوجین نسبت به یکدیگر را نیز می‌توان از مصداقهای حسن معاشرت تلقی کرد. اگرچه در قانون مدنی ایران صریحاً به تکلیف وفاداری اشاره‌ای نشده است، سکوت قانونگذار به دلیل بدیهی بودن آن است؛ بدین معنا که زن و مرد باید به یکدیگر وفادار باشند؛ در غیر این صورت به بنیان خانواده لطمه وارد می‌شود و خانواده را در معرض انحلال قرار می‌دهد. وفاداری در قالب سه نظریه قابل بررسی است و در نهایت نظری که برتری دارد، این است که زوجین از برقراری رابطه نامشروع با دیگران (اعم از زنا، لواط و یا مساحقه) خودداری کنند.

کلید واژه‌ها: وفاداری در زناشویی، تکالیف غیرمالی زوجین، حسن معاشرت در زناشویی، خیانت در زناشویی، نقض وفاداری در ازدواج، حقوق خانواده.

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

۲ - نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) ایران

a.rafeei@khuiss.ac.ir

۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

Farsima.Khamesipour@yahoo.com

اصفهان (خوراسگان)، ایران

مقدمه

با توجه به نقش مهم خانواده در تربیت افراد و رشد اجتماع و نیز به دلیل اینکه دو نهاد خانواده و اجتماع بر یکدیگر تأثیر متقابل دارد و زوال و بقای هریک در دیگری مؤثر است، دین و اخلاق و حتی قانونگذار برای خانواده و پایداری آن اهمیت ویژه‌ای قائل است و در جهت استحکام و رشد و تعالی این نهاد مقدس گام برمی‌دارد. در بیشتر بررسیها در زمینه حقوق خانواده به مباحث کلی خانواده پرداخته شده است؛ از جمله تکالیف زوجین که به دو بخش مالی و غیرمالی تقسیم شده و البته که به بخش مالی توجه بیشتری شده است. بحث تکالیف غیرمالی نیز بررسی شده ولی در زمینه تکلیف وفاداری زوجین به طور مختصر آن‌هم در زیرشاخه‌های دیگر بدان پرداخته شده و این مبحث آن‌طور که شایسته است، مورد بررسی قرار نگرفته است. زوجین پس از وقوع نکاح و تحقق زوجیت، هرکدام هم حقوق و تکالیف مختص به خود را دارند. این حقوق و تکالیف بخشی به امور غیرمالی و بخشی به امور مالی مربوط، و نیز بخشی مشترک بین زوجین است که باید رعایت شود. حقوق و تکالیف غیرمالی به تنظیم رفتارهای زوجین با یکدیگر، که دارای محتوای عاطفی و جسمی و روانی است و نیز معاشرتهای لازم زندگی مشترک می‌پردازد. به موجب ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوجین به حسن معاشرت با یکدیگر مکلف هستند (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). نخست لازم است معانی لغوی و اصطلاحی حسن معاشرت و وفاداری تبیین شود. معاشرت در معنای لغوی به معنای با هم زندگی کردن، با یکدیگر دوستی و آمیزش داشتن است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۱۰۰؛ معین، ۱۳۸۱: ۱۱۱۰). حسن اخلاق نیز به معنای نیکخویی است (معین، ۱۳۸۱: ۳۸۲). هم‌چنین حسن معاشرت در معنای اصطلاحی این است که زوجین باید با خوشرویی و مسالمت با یکدیگر زندگی کنند و از رفتاری که سبب ایجاد کینه و نفرت و غم و اندوه فراوان در دیگری می‌شود خودداری کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۱۹). وفا نیز در معنای لغوی از ریشه «وفی» و به معنای چیزی را به کمال رساندن است. حفظ و نگهداری پی‌درپی از چیزی را نیز عهد می‌گویند. بنابراین، وفای به عهد به این معناست که عهد بدون کم‌وکاست و مطابق وعده انجام شود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۴۷۲). هم‌چنین معانی وفاداری عبارت است از: درستی و صداقت و راستی و نمک به حاللی. در دوستی، زناشویی یا خدمت به مردم صادق و صمیمی بودن، صاحب وفا بودن، وفادار بودن (دهخدا، ۱۳۴۵: ۲۲۴؛ معین، ۱۳۸۱: ۱۲۸۸) هم‌چنین در معنای باوفا بودن، پایداری در دوستی و به سر بردن عهد و پیمان نیز ذکر شده است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۱۹۳). در معنای اصطلاحی

نیز وفای به عهد، عمل به تعهد ناشی از عقود و ایقاعات است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳۸۱۷). هم‌چنین وفاداری در اصطلاح به معنای التزام در پیمان زناشویی و پایداری در همبستگی عاطفی و جنسی است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۳). بر این اساس در زمینه وفاداری زوجین بر التزام و پایداری به پیمان زناشویی و رعایت وظایف عاطفی و جنسی تأکید شده است؛ یعنی زوجین باید نسبت به پیمان زناشویی وفادار باشند. از آنجا که کلمه وفا بر اتمام و اکمال دلالت دارد، مقصود از وفاداری، اجرای کامل تعهد و تحقق کامل و تام هر عهد و پیمان است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۶۱). بنابراین وفاداری مفهوم گسترده‌ای دارد؛ لیکن در این پژوهش سعی می‌شود تا مفهوم وفاداری زوجین از دیدگاه‌های حقوقی، فقهی و روانشناسی تبیین شود. می‌توان وفاداری زوجین به یکدیگر را یکی از مصداق‌های حسن معاشرت به شمار آورد؛ بدین معنا که آنان نباید رفتاری انجام دهند که موجب غم و اندوه و نفرت طرف مقابل شود. سکوت قانونگذار از تصریح به واژه وفاداری به دلیل بدیهی بودن این مسئله، و علاوه بر اینکه از نظر اخلاقی مورد توجه بوده از نظر قانونی نیز دارای اهمیت است؛ لذا نقض وفاداری در ابتدا به اساس خانواده لطمه می‌زند و عفت عمومی را نیز جریحه‌دار می‌کند. نقض وفاداری می‌تواند در صورتهای مختلف ظاهر شود؛ از جمله داشتن رابطه با زنان دیگر برای زوج و بالعکس که می‌تواند مصداق بارز نقض وفاداری باشد.

این نوشتار با هدف بررسی و تبیین ماهیت وفاداری زوجین و نقض و نیز مصداق‌های آن در حوزه حقوق خانواده صورت گرفته است. از آنجا که وفاداری یکی از لوازم حسن معاشرت است برای درک بهتر مفهوم وفاداری و بیان اهمیت آن ابتدا مفهوم حسن معاشرت و جایگاه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به بررسی مبحث وفاداری از دیدگاه علم روانشناسی و نیز مباحثی نظیر خیانت و بی‌وفایی و رابطه اعتماد و وفاداری پرداخته می‌شود؛ در ادامه نیز وفاداری از دیدگاه فقهی و اخلاقی بررسی، و آیات و روایات تبیین می‌شود؛ سپس به بررسی وفاداری از دیدگاه حقوقی، و مباحثی نظیر اصل حسن نیت و نقض وفاداری نیز مطرح می‌گردد و مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در نهایت با جمع‌بندی نظریات در زمینه وفاداری در حوزه‌های حقوق و فقه و روانشناسی به ماهیت وفاداری زوجین در این سه حوزه دست می‌یابیم و در ضمن آن به تبیین جایگاه وفاداری زوجین در تحکیم خانواده و رشد اجتماع و ارائه پیشنهادهاى راهبردی در این راستا نیز خواهیم پرداخت.

روش پژوهش

روش پژوهش مقاله، توصیفی و تحلیلی، و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ به این معنا که اطلاعات لازم در زمینه موضوع با توجه به اهداف آن از طریق مطالعه کتابها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، لغتنامه‌ها، سایتهای اینترنتی، متون چاپی نمایه شده در بانکهای اطلاعاتی و غیره فراهم آمده است که معمولاً در کتابخانه‌های عمومی، تخصصی یا دیجیتال وجود دارد و سپس مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گرفته است.

الف) حسن معاشرت

حقوق و تکالیف غیرمالی، رفتارهای زوجین را با یکدیگر که دارای محتوای عاطفی و جسمی و روانی است و نیز معاشرتهای لازم زندگی مشترک را تنظیم می‌کند. هر یک از زوجین برای تأمین دوام و سعادت خانواده از حقوق متقابل ویژه‌ای برخوردار هستند که اولین و مهمترین آنها مطابق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، حسن معاشرت است (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). از آنجا که وفاداری زوجین با حسن معاشرت رابطه نزدیکی دارد، لازم است ابتدا به مبحث حسن معاشرت پرداخته شود.

۱ - حسن معاشرت در فقه

در جستجوی مبنای ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی در زمینه حسن معاشرت، مشخص می‌شود که این الزام بر اساس منابع چهارگانه (کتاب، سنت، عقل، اجماع) به اثبات می‌رسد؛ لکن در این پژوهش در میان این منابع تأکید به عنوان منبع اصلی ماده، ابتدا آیات قرآن کریم است که متضمن دستورهای الهی در مورد حسن معاشرت زوجین با یکدیگر است و سپس برخی روایات تبیین می‌گردد که حاکی از تأکید امامان معصوم (ع) بر آیات قرآن است؛ لذا اهمیت حسن معاشرت در خانواده را می‌توان از آیات و روایات آشکارا دریافت.

۱-۱ - اهمیت حسن معاشرت در آیات قرآن

به‌منظور درک دیدگاه عمیق قرآن و تأکید روایات در زمینه حسن معاشرت در روابط زوجین، شایسته است به برخی از آیات و روایاتی اشاره شود که در این خصوص وارد شده است:

حسن معاشرت مفهومی قرآنی است که از آیه ۱۹ سوره نسا^(۱) و از عبارت «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» گرفته شده است؛ یعنی «با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت کنید» و پس از آن بیان

می‌کند که اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید، فوراً تصمیم به جدایی و یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که می‌توانید، مدارا، و به مصالح زندگی مشترک توجه کنید و معاشرت به معروف و رفتار شایسته داشته باشید که خداوند در عوض این عمل به شما خیر کثیر عطا می‌کند؛ هم‌چنین در آیه ۲۱ سوره روم^(۲) بیان می‌کند: «از نشانه‌های خداوند این است که برای شما همسرانی آفرید که با آنان آرامش یابید و میان شما عشق و مهربانی برقرار ساخت.» این نشانه عشق و محبتی است که خداوند میان زن و مرد قرار داده و به زوجین، معاشرت به معروف را توصیه کرده است (خدادادپور، ۱۳۸۸: ۲۳۲ و ۲۳۶؛ قزوینی، ۱۳۹۰: ۲۵۶). معاشرت به معروف، نه تنها در زندگی مشترک بلکه در زمان جدایی هم مورد توجه شارع است. در آیه ۲۲۹ سوره بقره می‌فرماید: طلاق رجعی دو بار است؛ پس از آن یا (باید زن را) بخوبی نگاه داشت یا به شایستگی رها کرد.^(۳) هم‌چنین آیه ۶ سوره طلاق^(۴)، مؤید انعطاف و برخورد منطقی و صمیمی بین زن و شوهر است. آیه ۱۸۷ سوره بقره^(۵) نیز در تأکید این معنا آمده و منظور این است که هر یک از زن و شوهر همچون لباس، پوشاننده عیوب یکدیگر و محافظ و حامی حیثیت و شرف و دین همدیگر و در عین حال هر یک مأمن و پناهگاه دیگری به شمار می‌روند. آیه ۲۲۸ سوره بقره^(۶) نیز صریحاً وظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن را در درون خانواده برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی می‌کند و با ذکر کلمه «معروف»، اصل معروف را بنیان روابط متقابل زن و مرد در استقرار حق و تکلیف قرار می‌دهد و رعایت معروف را به عنوان وظیفه‌ای طرفینی بر زوجین لازم می‌داند. آیه ۲۳۱ سوره بقره^(۷) به این اشاره دارد که یا با صمیمیت و اخلاق نیکو همسران را نگه دارید و زندگی زناشویی را با ملاحظت و شایستگی ادامه دهید یا اگر هیچ‌گونه زمینه سازش و آرامش بین شما نیست با رفتاری منطقی و معقول و به دور از هرگونه آزار و اذیت و انتقام‌جویی از یکدیگر جدا شوید؛ سپس خطاب به مردان می‌فرماید: مبدا به قصد ضرر رساندن یا تعدی به حقوق و آبروی آنان، ایشان را نگه دارید. در ادامه آیه از چنین اقدامی به ظلم به خویشان تعبیر شده است؛ زیرا ظلمی که به همسران می‌شود، سرانجام، آن مردان را فرامی‌گیرد و آنان را چه در این دنیا یا چه در دنیای دیگر در آتش ظلم خود می‌سوزاند (خدادادپور، ۱۳۸۸، ۲۳۱ و ۲۳۲؛ میرخانی، ۱۳۷۹: ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷).

بر این اساس حسن معاشرت، تکلیفی متقابل برای زوجین است که باید رعایت شود؛ لذا می‌توان گفت آیات مربوط به حسن معاشرت به معروف در پی تأسیس یک اصل فقهی و حقوقی است که بر همه روابط زوجین حاکم باشد و ضابطه و ملاک تعیین حقوق و تکالیف آنها است. در

تأیید این مسئله نیز می‌توان به آیه شریفه «... وَكُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره/۲۲۸) اشاره کرد، زیرا ملاک تعیین حقوق متقابل زوجین است. بنابراین در نظام حقوقی اسلام حسن معاشرت به معروف، حکمی اخلاقی و اصلی حقوقی است.

۱-۲- اهمیت حسن معاشرت در روایات

حسن معاشرت از مهمترین اصول حاکم بر خانواده است که علاوه بر آیات در روایات هم به آن اشاره شده است؛ لذا روایات بسیاری از ائمه معصومین (ع) در زمینه ابراز محبت و علاقه به همسر و حسن خلق و خوشرویی و مساعدت و احترام متقابل آنان به یکدیگر و نیز مدارا و هماهنگی بین زوجین وارد شده است که به‌منظور جلوگیری از اطاله کلام به ذکر چند مورد از آنها بسنده می‌شود:

از جمله مواردی که در روایات بر آن تأکید شده است و از مصداقهای حسن معاشرت به شمار می‌رود، ابراز محبت و علاقه همسران نسبت به یکدیگر است؛ از جمله اینکه رسول اکرم (ص) در روایتی در این زمینه می‌فرماید: «وقتی مرد به همسر خود با محبت می‌نگرد و زنش با مهر به او می‌نگرد، خداوند با دیده رحمت بر آنها می‌نگرد»^(۸) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۲۷۸، ح ۶۲۱).

وجود احترام متقابل در زندگی مشترک اصلی اساسی است که از دیگر مصداقهای حسن معاشرت به شمار می‌رود؛ هم‌چنین در این میان، اکرام و احترام به زن، جایگاه خاص و ممتازی دارد؛ از جمله روایتی از امام باقر (ع) در این زمینه نقل شده است: «هر مردی که همسری اختیار می‌کند، باید او را اکرام و احترام کند. زنان شما باعث نشاط شما هستند. هر که ازدواج می‌کند حق ندارد زن خود را ضایع سازد»^(۹) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۲۲۴؛ حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۵: ۶۱). در جایی دیگر، امام سجاد (ع) فرمود: «حق زن بر تو (شوهر) این است که بدانی خداوند او را برای تو مایه آرامش و انس قرار داده؛ پس بدان که همسری او نعمتی الهی است و بر تو واجب است که او را تکریم و احترام، و با او رفاقت و دوستی کنی»^(۱۰) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۵؛ حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۱۵: ۱۷۴).

یکی دیگر از مصداقهای حسن معاشرت، حسن خلق و خوشرویی بین زوجین است. امام صادق (ع) در روایتی در این زمینه فرمود: «در ارتباط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز است: مدارا و خوشرفتاری با زن تا محبت و علاقه زن را جلب کند و خوش اخلاقی با زن به دست آوردن قلب او با پیراستن ظاهرش در مقابل دیدگان او و گشاده‌دستی با وی. زن نیز در روابط خود با همسرش بی‌نیاز از سه ویژگی نیست: خود را از هر پلیدی دور نگه دارد تا آنجا که

شوهرش در هر حالتی خوش یا ناخوش به وی اطمینان کند و متعهد بودن زن تا هنگام خطا، شوهر به او توجه کند؛ اظهار عشق و علاقه به همسر، ظاهری جذاب در برابر دیدگان او»^(۱۱) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۲۳۷).

هم‌چنین در روایات به مدارا و هماهنگی در زندگی به‌عنوان یکی دیگر از مصداقهای حسن معاشرت سفارش شده است. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «در تمام حالات با همسرت سازگاری، و با او به نیکی معاشرت کن تا زندگی باصفا شود»^(۱۲) (حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۰: ۱۶۹).

از مطالعه زندگی و سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بخوبی آشکار می‌شود که ایشان نهایت حسن رفتار و معاشرت را با همسران خویش به کار می‌بستند. ستایش این بزرگواران از همسران خود، دلیلی بر این مدعاست. رسول اکرم (ص) همان‌گونه که مردم را به خوشرفتاری با زنان سفارش می‌کرد، خود الگویی در این زمینه بود. ایشان می‌فرمایند: «بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است. من از همه شما برای کسان خود بهترم. بزرگمردان، زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زنان را خوار دارند»^(۱۳) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۴۷۲، ح ۱۵۲۰).

این روایات و بسیاری از روایات دیگر، نشانگر تأکید ویژه ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بر خوشرفتاری و نیکی کردن به همسر و تکریم او و نیز نکوهش بدرفتاری و اذیت و آزار زن است؛ لذا رعایت چنین مواردی لازمه حسن معاشرت در روابط زوجین و عدم رعایت آن، مصداق سوء معاشرت به شمار می‌رود.

۲ - حسن معاشرت در حقوق

باید توجه کرد که هدف ازدواج، تشکیل کانون خانواده است که در آن زوجین به آرامش و تسکین دست پیدا کنند و عشق و محبت میان آنها برقرار شود. زن و شوهر با انعقاد نکاح، پیمان زندگی مشترک را بسته‌اند و برای حفظ آن باید همدلی و سازگاری و یکرنگی بین طرفین عقد ایجاد شود که اساس زندگی خانوادگی را تشکیل می‌دهد. زن و شوهر ضمن نکاح داوطلب شده‌اند که با هم زندگی کنند. لوازم حسن معاشرت را به‌طور دقیق نمی‌توان بیان کرد؛ زیرا درجه تمدن، عادات و رسوم در هر قومی، مفهومی را به وجود می‌آورد که ممکن است در قوم دیگر آن مفهوم را نداشته باشد. به اجمال می‌توان گفت، اموری که با اقتضای محبت بین زوجین و عشق به خانواده منافات دارد و هر آنچه توهین تلقی می‌شود، می‌تواند مصداق سوء معاشرت باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۱۹؛ امامی، ۱۳۷۷: ۴۳۰؛ عراقی، ۱۳۶۹: ۹۰ و ۹۱؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۳: ۱۱۹؛

گواهی، ۱۳۷۳: ۶۲ و ۶۳؛ حمیتی واقف، ۱۳۸۶: ۱۱۳ و ۱۱۴). هم‌چنین حسن معاشرت اولین تکلیف زوجین است (رسایی‌نیا، ۱۳۷۹: ۶۰؛ شریف، ۱۳۷۷: ۹۳ و ۹۴). می‌توان گفت حسن معاشرت، عامل تضمین‌کننده سلامت کمی و کیفی خانواده است (قزوینی، ۱۳۹۰: ۲۵۶)؛ لذا تکلیفی دوجانبه، که زن نسبت به شوهر و شوهر نسبت به زن به جای می‌آورند، مبنای جنسیتی ندارد؛ چون هر دو جنس مکلف شده‌اند (حمیتی واقف، ۱۳۸۶: ۱۱۴؛ کار، ۱۳۷۸: ۳۹).

مطابق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زن و شوهر به حسن معاشرت با یکدیگر مکلف هستند. حسن معاشرت بدین معناست که با یکدیگر در حدود عرف و عادت زمان و مکان رفتار کنند تا محیطی آرام در منزل برقرار شود. اگرچه تصور می‌شود که این ماده، جنبه ارشادی و اخلاقی دارد با توجه به اینکه تکالیف زوجین ضمانت اجرا دارد، می‌توان گفت از قواعد حقوقی است؛ پس ضمانت اجرا هم دارد (امامی، ۱۳۷۷: ۴۳۰). هم‌چنین اگر حسن معاشرت نباشد، زندگی مشترک نیز دوام نخواهد داشت. حتی اگر قانونگذار به آن اشاره‌ای هم نمی‌کرد، زوجین برای حفظ زندگی مشترک به حسن معاشرت با یکدیگر مجبور هستند. می‌توان گفت حتی ظاهر مواد ۱۱۰۳ به بعد قانون مدنی نیز این‌گونه باشد ولیکن این قاعده‌ای حقوقی است و ضمانت اجرای حقوقی هم دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۰؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۳: ۱۱۹؛ رستگار، ۱۳۸۳: ۲۳؛ اسکندری، ۱۳۸۳: ۹۱ و ۹۲).

با توجه به اینکه حسن معاشرت از آیه قرآنی عاشروهن بالمعروف (نساء/۱۹) گرفته شده است برای شناخت مصداقهای حسن معاشرت علاوه بر مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۰۴ قانون مدنی می‌توان به اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز اشاره کرد. اگر چه اصل ۱۶۷ قانون اساسی به وظیفه قاضی در مقام رفع اختلاف می‌پردازد، نتیجه آن شناخت مصداق حسن معاشرت است. اگر قاضی حکم قضیه را در قوانین مدون نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر می‌کند. این حکم، همان روش قضایی است که روش قضایی هم یکی از منابع حقوق است. اصل ۱۶۷ منبعی برای شناخت مصداقهای حسن معاشرت معرفی شده است؛ بدین معنا که مصداق حسن معاشرت به قانون مدنی منحصر نیست و این برای اثبات سوء معاشرت هر یک از زوجین بسیار مؤثر است (داور، ۱۳۸۲: ۳۵ تا ۳۷).

۳ - ملاک و مفهوم حسن معاشرت در روابط زوجین

اجرای مطلوب و وظایف و مسئولیتها، کسب آرامش و همدلی، تربیت فرزندان صالح، بقای خانواده و سرانجام به تعالی رساندن آن، نوع خاصی از رفتار زوجین را نسبت به یکدیگر طلب

می‌کند که اصطلاحاً به آن «حسن معاشرت» گفته می‌شود (خدادادپور، ۱۳۸۸: ۲۳۵). تعبیر حسن معاشرت کلی است؛ لیکن در این زمینه میان بسیاری نظر واحدی هست که حسن معاشرت به عرف اجتماعی مربوط است؛ بدین معنا که مفهومی عرفی و نسبی دارد و برحسب زمان، مکان و آداب و رسوم هر جامعه، اقوام و طوایف و خانواده‌ها و با هر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت است. می‌توان مصداق‌هایی را بیان کرد؛ اما یقیناً هر جامعه‌ای مصداق مختص به خویش را دارا خواهد بود. گاه رفتاری در محیطی، نشانه صمیمیت و احترام است اما در محیط دیگری همان رفتار توهین تلقی می‌شود اما به‌طور کلی یعنی زندگی زوجین در کنار هم با تفاهم و درستی باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۹؛ قزوینی، ۱۳۹۰: ۲۵۶؛ عراقی، ۱۳۶۹: ۹۰ و ۹۱؛ جعفرزاده، ۱۳۸۸: ۲۸۹؛ شریف، ۱۳۷۷: ۹۳ و ۹۴؛ داور، ۱۳۸۲: ۳۵ - ۳۷؛ یوسف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۹ و ۱۱۳؛ شریعتمداری، ۱۳۸۹: ۹۳ و ۹۵؛ رسولی، ۱۳۸۷: ۵۴؛ روشن، ۱۳۸۹: ۷۷ و ۷۸؛ جلالی، ۱۳۸۹: ۱۱۸ - ۱۲۳). هم‌چنین ملاک تعیین تکلیف زوجین، معروف است؛ زیرا بدون رعایت جنبه‌های اخلاقی نمی‌توان سعادت خانواده را تضمین کرد. باید در حسن معاشرت مبنای عرف باشد. البته عرفی مدنظر است که بر عقل سلیم منطبق باشد و با اهداف تشکیل خانواده مغایرتی نداشته باشد (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۷: ۳ و ۴). معروف، عملی است که علاوه بر مورد پسند بودن عموم مردم با عفو و گذشت همراه باشد (احمدیه، ۱۳۸۲: ۸۶). می‌توان گفت حسن معاشرت مفهومی اخلاقی است که وارد حوزه حقوق خانواده شده است؛ پس برای شناخت معنا و مصداق آن باید به علم اخلاق مراجعه کرد؛ لذا حسن معاشرت به رفتار زوجین با یکدیگر معطوف می‌شود (حیدرپور، ۱۳۸۵: ۱۲۴ و ۱۲۵).

البته باید توجه کرد به‌رغم مفاهیمی که از حسن معاشرت ارائه شد، بیان دقیق مفهوم حسن معاشرت دشوار است؛ زیرا عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن و اخلاق دینی در هر مکان و زمانی، مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می‌آورد. این مفهوم تابع زمان و مکان، و از هر زمان به هر زمان و از هر منطقه به منطقه‌ای دیگر متفاوت است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۹).

بر این اساس با توجه به تأکید بر حسن معاشرت در اسلام و قانون، اهمیت این امر آشکارا مشخص می‌شود؛ هم‌چنین آنچه در سعادت و خوشبختی خانواده نقشی مهم دارد، اخلاق و برخورد صحیح زوجین است که با صمیمیت، گذشت و وفاداری متقابل زندگی را رونق می‌بخشد و به آن صفا می‌دهند و به همین دلیل زوجین باید بیشتر به اخلاق و صفای درون خود توجه کنند و در دستورهای اسلامی، حسن معاشرت وظیفه اصلی زوجین در زندگی زناشویی است (ترسلی،

۱۳۸۲: ۳۱).

می‌توان گفت اخلاق و عرف و تکالیف قانونی در کنار هم برای شناسایی مصداقهای حسن معاشرت مؤثر است؛ لذا حسن معاشرت تکلیف بسیار مهمی است که بقیه تکالیف غیرمالی زوجین از مصداقهای این تکلیف به شمار می‌رود؛ از جمله مصداقهای حسن معاشرت می‌توان به مواردی نظیر پرهیز از بدرفتاری، خودداری از دروغ، سکونت مشترک و وفاداری اشاره کرد. بنابراین با رعایت این موارد، می‌توان حداقلی از حسن معاشرت را شاهد بود.

با توجه به آنچه بیان شد در مجموع می‌توان گفت حسن معاشرت مفهومی عرفی دارد و یکی از تکالیف غیرمالی مشترک زوجین است؛ لذا وفاداری زوجین نسبت به یکدیگر را نیز می‌توان از مصداقهای حسن معاشرت تلقی کرد.

ب) وفاداری زوجین

در این قسمت ابتدا وفاداری از دیدگاه علم روانشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به بررسی و تبیین ماهیت وفاداری زوجین و نقض آن از دیدگاه حقوقی، فقهی و اخلاقی پرداخته می‌شود:

۱ - وفاداری از دیدگاه علم روانشناسی

با توجه به اینکه مفهوم وفاداری با علم روانشناسی رابطه نزدیکی دارد، ابتدا از این دیدگاه به آن پرداخته شده است. تعریف وفاداری با تعریف بی‌وفایی رابطه مستقیمی دارد؛ بدین صورت که با تعریف بی‌وفایی، معنای وفاداری هم بخوبی مشخص می‌شود. کسی که بی‌وفا نباشد، وفادار است. برخی از روانشناسان بی‌وفایی را از خیانت جدا، و تعریفهای جداگانه‌ای ارائه کرده‌اند.

بی‌وفایی این‌گونه تعریف شده است: برقراری ارتباط عاطفی با جنس مخالف که از چارچوب خانواده خارج است و در مقابل، خیانت، برقراری ارتباط جنسی با جنس مخالف است که از چارچوب خانواده خارج باشد (کاوه، ۱۳۸۷: ۱۰). هم‌چنین بی‌وفایی و خیانت در سه دسته با طبقه‌بندی فرعی قابل تقسیم است: ۱ - خیانت‌های عاطفی: هر یک از زوجین، مسائل و مشکلات عاطفی فرد یا خانواده را با غریبه‌ای یعنی شخصی به غیر همسرش در میان می‌گذارد. جنبه فرعی این خیانت هم این است: ارتباط تلفنی، اینترنتی و ارتباط در محیط‌های کاری. ۲ - خیانت‌های جنسی: برقرار کردن روابط جنسی همسر با جنس مخالف غیر از همسر خودش. جنبه فرعی این خیانت ارتباط جنسی با هم‌جنسان، زنان خیابانی و ارتباط‌های جنسی مختلف با دیگران است. ۳ - خیانت‌های مرکب: شکل ترکیبی بی‌وفایی عاطفی و خیانت جنسی است (مؤمنی و شعاع کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۷ و

(۱۸).

همان‌گونه که از این تعاریف مشخص شد، بی‌وفایی و خیانت برخی شباهتهایی هم با یکدیگر دارد؛ از آن جمله می‌توان گفت همسر شخص بی‌وفا و خیانتکار پس از اطلاع یافتن از نظر عاطفی و روانی بشدت آسیب می‌بیند و وضع دشواری را تجربه می‌کند؛ با این کار، و ذهن و توجه شخص به فرد سوم معطوف می‌شود. البته بی‌وفایی و خیانت تفاوت اندکی نیز با یکدیگر دارد. می‌توان گفت معمولاً بی‌وفایی مقدمه خیانت است. اگر شخص، مرتکب بی‌وفایی شد، پس از مدتی به سمت خیانت و ارتباط جنسی هم می‌رود مگر اینکه وضعی به وجود آید و شخص در همان مرحله بی‌وفایی متوقف شود؛ به‌طور مثال شخص سوم و یا همسر شخص بی‌وفا، متوجه این جریان شود و از ادامه آن جلوگیری کند، لذا در این میان برخی تفاوت‌های دیگری نیز میان بی‌وفایی و خیانت وجود دارد؛ از جمله اینکه بی‌وفایی، مرحله‌ای خفیفتر از خیانت است. کنار گذاشتن بی‌وفایی از کنار گذاشتن خیانت آسانتر است؛ هم‌چنین بی‌وفایی آسیب و عوارض کمتری به همراه دارد و احتمال اینکه همسری که مورد بی‌وفایی قرار گرفته است، همسر خطاکارش را بیخشد از زمانی که به او خیانت کرده باشد، بیشتر است (کاوه، ۱۳۸۷: ۱۱ و ۲۲ و ۲۳).

۱-۱- مراحل بی‌وفایی و خیانت

باید توجه کرد که بی‌وفایی و خیانت به‌صورت ناگهانی و یکباره رخ نمی‌دهد بلکه زمینه‌ها و مراحل دارد که هرکدام زمینه‌ساز وقوع مرحله بعد می‌شود؛ لذا می‌توان بی‌وفایی و خیانت به همسر را در چهار مرحله تقسیم کرد: مرحله اول: درگیری ذهنی مرحله دوم: اقدام به آشنایی و ارتباط عاطفی مرحله سوم: عمیق شدن روابط عاطفی و ایجاد ارتباط جنسی مرحله چهارم: شدت ارتباط و آگاه شدن همسر. از جمله نکات قابل توجه در اینجا این است که مسلماً متوقف کردن بی‌وفایی و خیانت در مراحل اولیه آسانتر است. هم‌چنین اطلاع یافتن همسر می‌تواند در مراحل ابتدایی هم رخ دهد و نیز با گذشتن از هر مرحله، فرد از همسرش فاصله بیشتری پیدا می‌کند (کاوه، ۱۳۸۷: ۵۶ و ۵۷ و ۶۲).

۱-۲- آسیبه‌های وارد شده به اشخاص در جریان بی‌وفایی و خیانت

بی‌وفایی و خیانت آثار زیانباری بر افراد وارد می‌کند و در نتیجه اجتماع هم به‌سوی تباهی می‌رود؛ لذا در اینجا آسیبه‌های وارد شده به اشخاص درگیر این زمینه تبیین می‌شود: از جمله آسیبه‌ها به شخص بی‌وفا و خیانتکار این است که پس از آشکار شدن خیانت و بی‌وفایی شخص، او وجهه خود را نزد همسر، خانواده و دیگران از دست می‌دهد؛ هم‌چنین اعتماد و اطمینان همسر و آرامش

زندگی از دست می‌رود؛ در وظایف والدینی نیز مشکلاتی ایجاد می‌شود؛ پس از این دیگر ارتباط و صمیمیت آنها مانند گذشته نیست و نیز زندگی همراه با صداقت یکباره از دست می‌رود. آسیبهایی که بی‌وفایی و خیانت به همسر وارد می‌کند نیز این است که احساس ناخوشایندی از اینکه فریب خورده است در وی ایجاد می‌شود. هم‌چنین همسر و کانون گرم خانواده را از دست می‌دهد و شخص سومی جای او را می‌گیرد. سلامت عاطفی، رفتاری و ارتباطی داخل خانواده نیز از دست می‌رود و احساس می‌شود تلاشها، زحمتهای و فداکاریهای او از دست رفته است. هم‌چنین خیانت و بی‌وفایی پیامدهایی نیز برای فرزندان دارد؛ از جمله اینکه خیانت به همسر گریبانگیر فرزندان هم می‌شود و در نهایت آشفتگی عاطفی و روانی و ناآرامیهای محیط منزل به فرزندان هم منتقل می‌شود؛ باعث بدآموزی فرزندان می‌شود و فرزندان معمولاً نوعی احساس همدردی نسبت به مادرشان می‌کنند که مورد خیانت قرار گرفته است. علاوه بر این، نیروی فکری و ذهنی شخص، که صرف خیانت شود، مانع رسیدگی و توجه لازم به فرزندان می‌گردد. البته شخص سومی هم در این ماجرا هست که از جمله آسیبهای وارد شده به او نیز این است که به ارتباط عاطفی و جنسی در چارچوب بی‌وفایی و خیانت عادت می‌کند و مورد دشمنی و خشم همسر شخص قرار می‌گیرد. هم‌چنین با شخصی درگیر می‌شود که امید و وعده‌های واهی به او می‌دهد. به‌علاوه با این ارتباط، که معمولاً مخفیانه است، نیازهای عاطفی، ارتباطی او برآورده نمی‌شود و بیشتر آنها بویژه زنان مورد بهره‌کشی جنسی و عاطفی قرار می‌گیرند. علاوه بر این موارد، باید به این نکته توجه کرد که همیشه این‌گونه نیست که شخصی با آگاهی به بی‌وفایی و خیانت دست بزند، بلکه مواردی نیز هست که شخص بدون انگیزه قبلی و از روی خیرخواهی درگیر جریان بی‌وفایی و خیانت می‌شود؛ از جمله آنها می‌توان به اشخاصی اشاره کرد که به‌منظور کمک به یک زن یا دختر نیازمند، درگیر این جریان، و یا اشخاصی که با هدف مشورت‌دهی وارد این جریان می‌شوند و نیز افرادی که کارشناس یا متخصص نیستند، اما به‌عنوان مشاور خانواده در کمک به زوجهای مشکل‌دار دچار بی‌وفایی و خیانت می‌شوند (کاو، ۱۳۸۷: ۴۰ و ۴۱ و ۱۴۸ و ۱۵۴ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳).

بنا بر آنچه گفته شد با توجه به آثار زیانبار خیانت و بی‌وفایی در افراد و اجتماع و به منظور حفظ خانواده و اجتماع، بهتر است از این روابط پرهیز شود.

۱-۳- رابطه اعتماد و وفاداری

بین وفاداری و اعتماد پیوند محکمی هست؛ زیرا یکی از راه‌های حفظ و ایجاد اعتماد، وفاداری است. زمانی که زوجین نسبت به یکدیگر وفادار باشند، محبتشان نسبت به یکدیگر

افزایش می‌یابد. محبت هم عنصر اعتمادآفرینی است؛ در نتیجه حس اعتماد در آنها افزایش پیدا می‌کند. حاصل این اعتماد الفت و آرامش درونی زوجین، و تربیت صحیح فرزندان است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۴۹). به‌طور قطع وفاداری زوجین به یکدیگر، اعتماد را در میان آنها ایجاد می‌کند و این‌گونه با آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به رشد و تعالی دست می‌یابند.

۱- ۴- ماهیت وفاداری زوجین در علم روانشناسی

با توجه به آنچه بیان شد در علم روانشناسی وفاداری را می‌توان در قالب سه نظریه بیان کرد که عبارت است از: وفاداری عاطفی، جنسی و ترکیبی از این دو. در این پژوهش در مجموع می‌توان گفت وفاداری زوجین از دیدگاه روانشناسی این است که هر یک از زوجین شخص سومی را در رابطه خویش وارد نکند (خواه در قالب ارتباط عاطفی کوچک و یا حتی برقراری رابطه جنسی) و به رابطه‌ای که بین ایشان شکل گرفته است خیانت نکند. رعایت این مسئله در روابط زوجین، سبب برقراری اعتماد و ارتباط سالم بین آنان و وفاداری متقابل ایشان نسبت به یکدیگر و سرانجام ایجاد عفت اجتماعی خواهد شد. از این‌رو می‌توان گفت ارزشی که می‌تواند مانع خیانت شود، وفاداری است. به نظر می‌رسد از دیدگاه روانشناسی این رابطه می‌تواند در بردارنده موارد دیگری از جمله دلگرم شدن به زندگی خانوادگی، همراهی با یکدیگر در سختیها و مصائب، برطرف کردن نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر و مواردی از این دست نیز باشد؛ لکن این مباحث در مطالعات در حوزه روانشناسی کمتر مورد توجه واقع شده است.

۲- وفاداری از دیدگاه فقهی و اخلاقی

اصل وفاداری یکی از اصول تحکیم خانواده است. تعهد متقابل زوجین در اخلاق جنسی مدنظر است این‌گونه که از بیگانگان چشم‌پوشند و نیازهای خود را در چارچوب خانواده و در کنار همسر خویش ارضا کنند. نقض اصل وفاداری در امور جنسی، جامعه را آلوده می‌کند. زمانی که جامعه آلوده شود، خانواده هم در معرض انحلال قرار می‌گیرد؛ زیرا این دو نهاد در هم تأثیر متقابل، و هر کدام در دیگری اثر دارد. از نظر اسلام نیز محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌شود که ارزش زن در نظر مرد بالا رود؛ لذا ایجاد عواطف پاک و صمیمی بین زوجین و برقراری اتحاد و یگانگی کامل در نهاد خانواده، مسئله‌ای مهم است. زمانی می‌توان به این مهم

دست یافت که زوجین در امور جنسی فقط به همسر قانونی خویش توجه، و از دیگران چشم‌پوشی کنند (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۳۳ و ۴۳۹).

وفاداری، عفت و چشم‌پوشی از غیر وظیفه اختصاصی زن نسبت به شوهر است. عفت زن، حفظ خود در مقابل افراد نامحرم و وفاداری کامل و کمال روحی زن است؛ لذا باید از هرگونه رابطه نامشروع با غیر همسر خویش خودداری کند (حسنی، ۱۳۸۸: ۸۳؛ شاملی، ۱۳۸۰: ۱۰). وفاداری زن، که بدیهی است، باید از وظایف اختصاصی زوجین شمرده شود؛ زیرا وفاداری زن و مرد با هم است که معنا پیدا می‌کند و وظیفه‌ای متقابل است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۶). هم‌چنین دین اسلام رابطه آزاد میان زنان و مردان را با غیر همسر خویش ممنوع اعلام کرده است. این مسائل جزء دقیقترین مسائل بشری است و باعث استحکام بنیان خانواده می‌شود. اموری که در اسلام وضع شده برای این است که محبت طرفین بر یک نقطه متمرکز شود و در نتیجه، خانواده پایدار و مستحکم باقی بماند. اسلام به این علت رابطه نامشروع با دیگری را منع کرده است که وقتی با دیگری رابطه دارند، بخشی از سهم همسر به طرف دیگر می‌رود. زمانی که در اینجا کم گذاشتند، محبت آنها نسبت به هم کم می‌شود؛ در نتیجه، بنای خانواده متزلزل می‌شود. بر این اساس تکلیف به وفاداری، اخلاقی و حقوقی است. خداوند می‌فرماید از رابطه با نامحرم، که موجب انحراف اخلاقی و جنسی است، پرهیز شود تا با حفظ حدود و مرزهای الهی نسبت به یکدیگر وفادار بمانند (عسکری، ۱۳۸۰: ۲۲۰ و ۲۳۳؛ جوکار، ۱۳۹۰: ۹۴ و ۹۵).

عدم وفاداری زوجین نیز صورتهای مختلفی دارد؛ از جمله عدم رعایت حریمها و دستورهایی شرعی در زمان سخن گفتن با نامحرم، هم‌چنین پوشش نامناسب در مقابل دیگران، با نگاه‌های هوس‌آلود به زنان یا مردان نامحرم نگاه کردن و اینکه محبت بیگانه‌ای را در دل خویش جای‌دادن و به همسر خویش خیانت کردن (جوکار، ۱۳۹۰: ۹۵). در این میان در بیان وفاداری به نقش ویژه زن تأکید شده است. هسته اصلی جامعه، خانواده است. برای اینکه جامعه رو به تعالی برود باید خانواده‌ای پاک داشته باشیم. در این میان نقش اصلی را زن به عهده دارد. اگر زن اصلاح شود، خانواده و جامعه هم اصلاح می‌شود. فساد جنسی، عامل زیانبار جامعه و خانواده است. خداوند برای زن و مرد بهره‌مندی از یکدیگر را حلال فرموده است؛ اما مرد باید از رفتار زشت پرهیز کند؛ پس ضرورت دارد که زن و مرد حال یکدیگر را رعایت، و از رنجش یکدیگر به هر نحو خودداری کنند (زین‌العابدین، ۱۳۷۷: ۲۳ و ۲۵ و ۱۴۷).

همان‌طور که اشاره شد، وفاداری، تکلیفی طرفینی است و به تحکیم بنیان خانواده و کاهش

مفاسد اخلاقی کمک شایانی می‌کند. در ادامه نیز مبحث وفاداری در آیات و روایات تبیین شده که مؤید اهمیت این موضوع است؛ سپس به تبیین ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه فقهی پرداخته می‌شود.

۲- ۱- وفای به عهد در قرآن و روایات

به موجب آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱) وفا به همه عقود، مورد امر و دستور الهی قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۳۷). با عنایت به اینکه العقود - به اصطلاح - جمع مُحَلّی^۱ به الف و لام، و مفید عموم، و جمله نیز کاملاً مطلق است، این آیه دلیل بر وجوب وفا به تمام پیمانهای است که میان افراد انسان با یکدیگر، و یا افراد انسان با خدا به طور محکم بسته می‌شود و به این ترتیب تمام پیمانهای الهی و انسانی و پیمانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و تجاری و زناشویی و مانند آن را در برمی‌گیرد و مفهومی کاملاً وسیع دارد که به تمام جنبه‌های زندگی انسان اعم از عقیده و عمل ناظر است؛ از پیمانهای فطری و توحیدی گرفته تا پیمانهای که مردم بر سر مسائل مختلف زندگی با هم می‌بندند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۴۴)؛ لذا مقتضای «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» وجوب وفا به هر عقدی است؛ یعنی به پیمانها و عقود و عهود خودتان عمل کنید که مطلقاً شامل همه می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۷۵ و ۳۵۹). پس باید به عقد نکاح نیز وفا شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

در آیات قرآن کریم نیز بر وفای به عهد تأکید فراوانی شده است. عهد و پیمان معنای وسیعی دارد که شامل عهدهای خصوصی در میان افراد در زمینه مسائل اقتصادی و کسب و کار و زناشویی و امثال آن نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۱۱۰ و ۱۱۱). در قرآن کریم خداوند خود را باوفاترین می‌شمرد؛ چه کسی به پیمانش پایبندتر از خداست «(توبه/ ۱۱۱)^(۱۴) و حتی، کمترین احتمال پیمان شکنی را نسبت به خود قاطعانه مردود شمرده است؛ «خداوند هرگز پیمان شکنی نمی‌کند» (بقره/ ۸۰)^(۱۵)؛ پس از آن مؤمنان را به وفاداری و پایبندی به عهد و پیمانهایشان دعوت، و در بیان نشانه‌های خردمندان به وفای به عهد اشاره می‌کند: «آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند» (رعد/ ۲۰)^(۱۶). در آیه دیگری، وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می‌خواهد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمانها وفا کنید» (مائده/ ۱)^(۱۷). در اسلام وفای به عهد، اهمیت فراوانی دارد. یکی از مواردی که در قیامت در مورد آن از انسان سؤال می‌شود، عهد و پیمان است: «به عهد خود وفا کنید که همانا از آن سؤال خواهد شد» (اسراء/ ۳۴)^(۱۸). این آیات جایگاه پیمان را در قرآن روشن می‌سازد و اهمیت ویژه آن را بیان می‌کند

(حقیقت خواه، ۱۳۸۵: ۸۹).

در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است؛ از جمله اینکه رسول خدا(ص) فرمود: «بهترین بندگان خداوند کسانی هستند که به وعده‌ها وفا کنند و بوی خوش به کار برند»^(۱۹) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۳۲۶، ح ۸۵۰). در روایتی دیگر، امام علی(ع) به مالک اشتر فرمود: «عهد و پیمان خویش را مشکن و دشمنت را فریب مده؛ زیرا (پیمان شکنی دلیری کردن بر خداوند است) بر خداوند کسی جرأت و دلیری نمی کند مگر نادان بدبخت»^(۲۰) (نهج البلاغه، ۱۳۸۳: ۵۸۸ و ۵۸۹). هم چنین امام علی(ع) خطاب به مالک اشتر فرمود: «ای مالک! هرگاه میان خود و دشمنت عهد و پیمانی بستی به آن وفادار باش؛ چراکه هیچ چیز از واجبات خدا همانند وفای به عهد نیست که مردم با تمامی اختلاف خواسته‌ها و پراکندگی اندیشه‌هایشان بر آن اتفاق نظر داشته باشند و نزدشان بزرگ باشد»^(۲۱) (نهج البلاغه، ۱۳۸۳: ۵۸۶ و ۵۸۷). در جایی دیگر، رسول خدا(ص) فرمود: «سه چیز است که ترک آن برای هیچ کس جایز نیست: ۱ - نیکی به پدر و مادر؛ خواه مسلمان باشند یا کافر. ۲ - وفای به عهد؛ خواه طرف معاهده مسلمان باشد یا کافر. ۳ - ادای امانت؛ خواه امانت‌دهنده مسلمان باشد یا کافر»^(۲۲) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۴۱۶، ح ۱۲۶۴).

بر این اساس در این حوزه به وفای به عهد توجه ویژه‌ای معطوف شده است؛ لکن از همین بحث می‌توان به وفاداری زوجین نیز دست یافت؛ زیرا عقد نکاح نیز عهد و پیمان است. در واقع زوجین به‌طور ضمنی متعهد می‌شوند که به عقدی که منعقد کرده‌اند، پایبند باشند و یکی از لوازم پایبندی زوجین به این عهد و پیمان، وفاداری آنها به یکدیگر است؛ لذا می‌توان گفت وفاداری نوعی وفای به عهد در عقد ازدواج است.

۲ - ۲ - وفاداری زوجین در قرآن و روایات

هدف دین اسلام از مشخص کردن حریم در روابط جنسی، تحکیم بنیان خانواده و کاهش مفاسد اخلاقی است (امینی، ۱۳۸۶: ۴۴ و ۴۵). مقررات دقیق قرآن کریم در زمینه لزوم رعایت اصل حریم در ارتباط با بیگانه، اهمیت این مطلب را آشکار می‌کند و بهره‌مندیه‌های نامشروع جنسی را در کمترین حد آن هم که باشد برای نهاد خانواده و اجتماع مضر دانسته و از آن نهی نموده است (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۳۳ و ۴۳۹). قرآن کریم در این زمینه به مصداق‌هایی از جمله عفاف و پاکدامنی و پارسایی نگاه زنان و مردان مؤمن در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور اشاره می‌کند: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمات) فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند؛ این برای آنها پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. به زنان بایمان بگو چشم‌های

خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند».^(۲۳) واژه «غص» در این آیه به معنای کاهش دادن یا کوتاه کردن نگاه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۴۳۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۱۱؛ مطهری، ۱۳۹۰: ۴۷۳ و ۴۷۴). لذا بر اساس این آیه، یکی از مهمترین ویژگیهای پارسایی جنسی و عفت در مردان، چشم فروهستن نسبت به زنان نامحرم و حفظ فروج از گناه جنسی و در زنان نیز چشم فروهستن نسبت به مردان و پوشیدن روی و موی و سایر اعضای بدن است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۴). مصداق دیگر در این زمینه، لزوم پوشیدگی بدن است که در آیات ۵۹ سوره احزاب^(۲۴) و نیز در قسمتی از آیه ۳۱ سوره نور بر آن تأکید شده است. در آیه ۵۹ سوره احزاب چنین آمده است: «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلبابهای خود را بر خویش فرو افکنند؛ این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است و خداوند همواره غفور و رحیم است». جمله «ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» در آیه ۵۹ سوره احزاب فلسفه حکم را بیان می‌کند و آن این است که وقتی زن، پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، کمتر متعرض آنها می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۳۳۹ و ۳۴۰؛ مطهری، ۱۳۹۰: ۴۴۱). در قسمتی از آیه ۳۱ سوره مبارکه نور نیز بر این امر تأکید شده است که بیان می‌کند: «وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ». دستور دیگر قرآن کریم برای صیانت از خانواده و جامعه، آشکار نکردن زینتها و پوشیده ماندن زینت و زیور زنان است که در قسمتی از آیه ۳۱ سوره مبارکه نور آمده است: «...وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...»: «به زنان باایمان بگو زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار نکنند». از دیگر دستورهای قرآن کریم نیز خودداری از گفتار و رفتار تحریک‌آمیز است که دستور می‌دهد که از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌کننده در روابط با بیگانه پرهیز شود. در این مورد آیات ۳۲ سوره احزاب و نیز آیه ۳۱ سوره نور قابل توجه است. در آیه ۳۲ سوره احزاب^(۲۵) آمده است: «ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوی پیشه کنید؛ بنابراین به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند». این آیه خطاب به همسران پیامبر اکرم (ص) نازل شده ولی حکمی که بیان شده است به آنان اختصاص ندارد و به قرینه جمله «إِنَّ اتَّقِيْنَ» تکلیفی است که همه زنان باید مورد توجه قرار دهند. این آیه مبین یک حقیقت است و آن اینکه در جامعه همواره بیماردلانی هستند که باید مراقب آنان بود. در قسمتی از آیه ۳۱ سوره مبارکه نور^(۲۶) نیز آمده است: «آنها هنگام راه رفتن پایهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید». قرآن

کریم به آنان فرمان می‌دهد که مواظب باشند در حال راه رفتن، پاهای خود را به زمین نکوبند. این فرمان برای این است که سروصدای زیورآلات آنان تحریک‌کننده خواهد بود.

خداوند متعال در آیه ۸ سوره مؤمنون^(۲۷) و آیه ۳۲ سوره معارج^(۲۸) زمانی که صفات مؤمنان را می‌فرماید از جمله به پایبندی به تعهدات زندگی‌شان و وفادار بودن به همسرشان اشاره می‌کند. در آیه ۱۷۷ سوره بقره^(۲۹) نیز کسی را نیکوکار می‌داند که به عهد خود وفادار بماند و در سوره اسرا آیه ۳۴^(۳۰) از تعهدات و وعده‌ها در روز قیامت سؤال می‌شود. خداوند در آیاتی دیگر از قرآن کریم به پاکدامنی اشاره می‌کند؛ از جمله آنها: «و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند» (مؤمنون/ ۵)^(۳۱) «تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند» (مؤمنون/ ۶)^(۳۲). آیات دیگری از قرآن کریم نیز به نوعی به رفتار همراه با عفت و پاکدامنی اشاره دارد. خداوند متعال در این آیات شریفه می‌فرماید: «بدرستی که مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان عابد و زنان عابد، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و زنان صابر، مردان خاشع و زنان خاشع، مردان و زنانی که صدقه می‌دهند، مردان و زنانی که روزه می‌گیرند، مردان و زنانی که شهوت و فرج خود را حفظ می‌کنند، مردان و زنانی که خدا را بسیار ذکر می‌گویند و یاد می‌کنند، خداوند برایشان آمرزشی و اجری عظیم آماده کرده است» (احزاب/ ۳۵)^(۳۳).

علاوه بر آیات در زمینه وفاداری زوجین روایاتی نیز نقل شده است که متضمن آموزه‌های فراوانی در این باره به منظور هدایت زنان و مردان مؤمن است؛ از جمله در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «نگاه کردن تیری است زهرآلود از ناحیه شیطان. چه بسیارند نگاه‌هایی که بعدها حسرتها و تأسفهای طولانی به دنبال خود می‌آورد»^(۳۴) (حر عاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۰: ۱۹۲). هم‌چنین در روایتی دیگر از امام صادق(ع)، که حاکی از ترغیب مردان به پارسایی در نظر به زنان است، نقل شده است: «هر کس نگاهش به زنی افتد؛ سپس چشمش را به آسمان بالا ببرد یا آن را ببیند، هنوز چشم به هم نزده خداوند حورالعینی را به او تزویج می‌کند»^(۳۵) (حر عاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۰: ۱۹۳). این روایت مطلق است؛ لذا هم شامل مردان و هم شامل زنان می‌شود که آنها را در پرورش عفت رهنمون می‌شود. رسول اکرم(ص) در زمینه عفاف فرمودند: «بهترین زنان شما، زن عقیف راغب است که در ناموس خود عفت و به شوهر خود رغبت داشته باشد»^(۳۶) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۴۷۵، ح ۱۵۳۴). هم‌چنین ایشان فرمودند: «عفت، زینت زنان است»^(۳۷) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۵۷۹، ح ۲۰۰۸). رسول خدا(ص) در جایی دیگر فرمودند: «شش چیز را برای من ضمانت کنید تا من

بهشت را برای شما ضمانت کنم: راستی در گفتار، وفای به عهد، برگرداندن امانت، پاکدامنی، چشم بستن از گناه و نگهداشتن دست از غیر حلال»^(۳۸) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۲۱۶، ح ۳۲۱). هم‌چنین ایشان می‌فرمایند: «پاکدامن باشید تا زنانان پاکدامن باشند»^(۳۹) (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴: ۳۷۳، ح ۱۰۸۹). امام صادق(ع) نیز فرمودند: «به پدر و مادر خود نیکی کنید تا فرزندانان به شما نیکی کنند و به زنان مردم عفت ورزید تا زنانان عفت ورزند»^(۴۰) (کلینی، ۱۳۴۶، ج ۵: ۵۵۴).

از رسول اکرم(ص) نقل شده است که «بدترین زنان و شرورترین آنان کسی است که ارزشی در او یافت نمی‌شود و وجودش تهی از فضایل شده، به آلودگی دامن می‌زند؛ لجوج و عصیانگر و طغیانگر است؛ در مقابل قوم خویش با رفتارش موجب ذلت و خواری می‌گردد؛ از درون خود را بزرگ می‌بیند [و از بیرون رفتارش موجب حقارت و پستی است]؛ نسبت به شوهر پرهیز می‌کند و از غیر شوهر پروا و پاکدامنی ندارد و خود را به دیگری عرضه می‌دارد»^(۴۱) (حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۰: ۳۴). محمد ابن مسلم از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود «خداوند با سه دسته سخن نمی‌گوید و ایشان را پاک نمی‌کند و بر ایشان عذاب دردناکی است که از این سه دسته یکی زنی است که فراش و رختخواب شوهر خویش را در اختیار مرد دیگری قرار می‌دهد»^(۴۲) (حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۰: ۲۳۶). هم‌چنین امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید «آیا خبر بدهم به بدترین نوع زنان گفتند آری فرمود آن زنی که با مرد دیگری در رختخواب همسر می‌آمیزد [و شرمگینانه تر اینکه] فرزند دیگری را به شوهر تحمیل و ملزم می‌دارد. اوست آن بنده‌ای که خدا هرگز با نظر لطف به او نمی‌نگرد و روز قیامت او را مورد خطاب خود قرار نمی‌دهد و او را نمی‌آمرد»^(۴۳) (حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۰: ۳۱۵). پیامبر در سفارشی به امام علی(ع) می‌فرماید: «ای علی چهار چیز کمرشکن است... و زنی که شوهرش از او نگهداری می‌کند ولی او به شوهرش خیانت می‌کند»^(۴۴) (حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۱۲: ۱۳۱). روایات اخیر مؤید لزوم پارسایی جنسی زنان است؛ لذا زنان نباید با مردان روابط نامشروع برقرار کنند؛ چون روابط نامشروع با غیر شوهر، شکستن پیمان زناشویی و خیانت تلقی می‌شود.

البته در متون دینی، مردان نیز به حفظ حریم جنسی مکلف هستند؛ بدین معنا که نمی‌توانند با زنان دیگر روابط نامشروع برقرار کنند. هم‌چنین تنوع‌طلبی مردان نیز مورد نکوهش واقع شده‌است؛ از جمله در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده‌است که «خداوند هر مردی را که بسیار طلاق دهد و طعم ازدواجهای فراوان را بچشد، دشمن دارد»^(۴۵) (حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۲: ۸؛ کلینی، ۱۳۴۶، ج ۶: ۵۴). بدین دلیل باید اذعان کرد که اسلام چندهمسری را هم محدود کرده است و هم مشروط

(مطهری، ۱۳۹۰: ۲۹۷). بنابراین در آموزه‌های اسلامی، پارسایی در نگاه از عوامل مهم امنیت و توسعه ایمان است که از نتایج مهم آن در پیمان زناشویی، وفاداری است. پارسایی در نظر و فراش موجب می‌شود که زن عقیف در اعماق قلب شوهرش جای گیرد و مرد عقیف نیز متعهد همسرش می‌شود؛ لذا زن به منظور اثبات وفاداری خود به همسرش و حتی با این نگرش که ممکن است همسرش از رفتارها و نگاه‌ها و حرف زدنهای بی‌مورد او در برابر نامحرم ناراضی باشد، خود را حفظ می‌کند و تمام تلاش وی وقف عشق و ورزیدن به همسر می‌شود. هم‌چنین مرد با این نگرش، که در صورت حفظ نگاه و حریم خود به همسرش وفادار مانده از امنیت عاطفی بهره‌مند می‌شود؛ لذا التزام عملی هر یک از زن و شوهر به وظایف شرعی، خود نشانگر وجود عنصر وفاداری در آنهاست (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۶).

همان‌طور که بیان شد از نظر اسلام، روابط جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع محدود شده است؛ لذا زمانی می‌توان به ایجاد عواطف پاک و صمیمی بین زوجین دست یافت که زوجین در امور جنسی فقط به همسر قانونی خویش توجه، از دیگران چشم‌پوشی کنند. بر این اساس مردان و زنان در این راستا به حفظ حریم جنسی موظف هستند. آیات و روایات اخیر شامل آموزه‌هایی نسبت به لزوم وفاداری زوجین است که اهمیت این موضوع آشکارا مشخص، و رعایت آنها موجب تحکیم بنیان خانواده می‌شود.

۲-۳- ماهیت وفاداری زوجین در فقه

با عنایت به آنچه بیان شد، چنین برمی‌آید که وفاداری نوعی وفای به عهد در عقد ازدواج است. هم‌چنین باید توجه کرد که وفاداری زوجین به یکدیگر، در ازدواج بدیهی است. در واقع زوجین به‌طور ضمنی متعهد می‌شوند که به عقدی که منعقد کرده‌اند، پایبند باشند که یکی از لوازم پایبندی زوجین به این عهد و پیمان نیز وفاداری آنها به یکدیگر است. آیات و روایات نیز ضمن تأکید ویژه بر وفای به عهد به عفت و پاکدامنی زنان و مردان مؤمن و بویژه پایبندی از دید جنسی اشاره می‌کند که متضمن آموزه‌هایی نسبت به لزوم وفاداری زوجین است؛ لذا در این پژوهش در مجموع می‌توان گفت ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه فقهی، التزام کامل در پیمان زناشویی و تعهدات اخلاقی و پایبندی عاطفی و جنسی است.

۳- وفاداری از دیدگاه حقوقی

نکاح نهادی است که محصول آن زوجیت است. از عوامل پایداری زوجیت هم وفاداری زوجین است. زن و شوهر پس از ازدواج باید وفادار، و رفتار صحیح و سالمی داشته‌باشند تا

وفاداری خویش را به یکدیگر نشان دهند. یکی از مهمترین پایه‌های زندگی مشترک و استحکام‌بخش نظام خانواده، وفاداری زوجین به یکدیگر است. زوجین نباید با دیگری رابطه نامشروع برقرار کنند، باید غرایز جنسی خویش را در محیط خانواده ارضا کنند و این راز بقای خانواده است. این محیط خانواده، مکانی امن و آرام برای رشد و تعالی زوجین است. در قانون مدنی صریحاً به تکلیف وفاداری اشاره‌ای نشده ولیکن سکوت قانونگذار به دلیل بدیهی بودن این تکلیف مشترک است؛ بدین معنا که زن و مرد باید به یکدیگر وفادار باشند و اگر نه به اساس خانواده لطمه وارد می‌شود. به‌طور کلی در فرهنگ ما رابطه آزاد بین زن و مرد مجاز نیست و مجازات‌های سنگینی برای کسی که رابطه نامشروع داشته باشد در نظر گرفته شده است؛ زیرا نتیجه این روابط جز از بین رفتن اساس خانواده نیست. حال تصور کنید کسی که همسر دارد و باید پایبند به نظام خانواده باشد، رابطه نامشروع با دیگری داشته باشد. از نظر اخلاقی زشتی این عمل ناپسند بیشتر نمایان می‌شود. از نظر حقوقی هم با این شخص برخورد شده است؛ پس نباید آن را فقط تکلیف اخلاقی صرف به شمار آورد؛ زیرا حقوق هم رابطه نامشروع زوجین با دیگری را ممنوع کرده است. وفاداری زوجین باعث ایجاد ارتباطی سالم و اعتمادسازی میان آنها و هم‌چنین برقراری نظم عمومی و عفت اجتماعی است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۳-۲۲۱؛ شریعتمداری، ۱۳۸۹: ۹۳ و ۹۵؛ یوسف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۹ و ۱۱۳؛ رسولی، ۱۳۸۷: ۵۴؛ جلالی، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۲۳؛ روشن، ۱۳۸۹: ۷۷ و ۷۸؛ میرخانی، ۱۳۷۸: ۳۸؛ نجفی پازوکی، ۱۳۷۸: ۸؛ حمیتی واقف، ۱۳۸۶: ۱۱۳). از جمله نتایج بی‌وفایی این است که خیانت زوجین، آثار غیرقابل جبرانی بر پیکر اجتماع وارد می‌کند و فرزندان بیش از والدین لطمه می‌بینند. این امر سبب تزلزل پایه‌های عاطفی و روانی خانواده، بی‌اعتمادی افراد خانواده به یکدیگر و چه بسا باعث بی‌عفتی همسر هم بشود (یوسف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۹ و ۱۱۳؛ روشن، ۱۳۸۹: ۷۷ و ۷۸). هم‌چنین برای مجازات این رفتار غیر شرعی و غیر قانونی رضایت زوجین هم بی‌فایده است و شاکی خصوصی لازم نیست؛ به محض اطلاع مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورت اثبات جرم، مجرم مجازات می‌شود؛ زیرا مسئولیتی قهری است (روشن، ۱۳۸۹: ۷۷ و ۷۸). داشتن ضمانت اجرا برای نقض وفاداری نشان از اهمیت پایبندی زوجین به اصل وفاداری است. هم‌چنین ارتباط آن با نظم عمومی به‌وضوح آشکار می‌شود. وفاداری ابتدا در علم اخلاق معنا پیدا کرده اما می‌توان گفت، اصلی حقوقی است؛ زیرا برای آن ضمانت اجرا در نظر گرفته شده و با اینکه بدیهی، و اساس زندگی مشترک است، بهتر است قانونگذار ماده‌ای را به آن اختصاص دهد؛ همانند بسیاری از امور بدیهی که مورد پذیرش جامعه است ولی در قانون هم مورد توجه قرار

گرفته است.

اگرچه قانون مدنی ایران در زمینه وفاداری صریحاً بیانی ندارد با توجه به فقه و عرف و عادت مسلم و هم‌چنین با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی برای نقض وفاداری مجازات‌هایی در نظر گرفته است آشکارا می‌توان تأیید این مسئله را مشاهده کرد. از دیدگاه حقوقی، می‌توان گفت نقض وفاداری شامل دو بخش زنا و رابطه نامشروع است. یک قسمت از این مجازات مشمول حد است و یک قسمت از این مجازات هم موجب تعزیر می‌شود؛ لذا مواد ۲۲۱ تا ۲۴۱ از کتاب دوم (حدود) از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ناظر بر مباحث زنا، لواط، تفریض و مساحقه است و نیز در ماده ۶۳۷ از کتاب پنجم (تعزیرات) این قانون به مبحث روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا اشاره شده است؛ از جمله مواد قانونی که با بحث نقض وفاداری زوجین مرتبط است، می‌توان به مواد ۲۲۵، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷ و ۲۳۹ کتاب دوم (حدود) قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که مجازات‌هایی را برای مرتکبان به زنا و لواط و مساحقه در نظر گرفته است؛ لذا شخص بی‌وفایی که مرتکب این رفتار شده در صورت اثبات جرم و البته وجود شرایط احصان، قابل مجازات است. در فرهنگ اسلامی نیز هرگونه ارتباط آزاد بین زن و مرد یا افراد دیگر ممنوع و ناپسند است بویژه گناه کسی که همسر دارد در صورت ارتباط نامشروع بسیار سنگین‌تر، و در این گونه موارد تا پای اعدام و قتل مجرم محکوم است و همین امر نشانگر این است که حکم وفاداری از سوی زوجین، طرفینی است و رعایت این مسئله هم نسبت به اهمیت ایجاد اعتماد و ارتباط سالم بین زوجین و وفاداری آن دو نسبت به یکدیگر، و هم نسبت آن با برقراری نظم عمومی و عفت اجتماعی کاملاً مشهود است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۱ و ۲۲۲).

بر این اساس، رابطه نامشروع هر یک از زوجین با فرد دیگر از جرائم عمومی به شمار می‌رود؛ زیرا لطمه‌ای که از چنین جرائمی وارد می‌شود، تنها زن یا شوهر را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد بلکه جامعه نیز از این جرائم لطمه می‌بیند و عفت اجتماعی حاکم بر جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هم‌چنین فرزندان خانواده نیز ممکن است از چنین بی‌عفتی و خیانتی صدمه ببینند و از متزلزل شدن خانواده که معمولاً در پی چنین جرائمی رخ می‌دهد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جسم و روح فرزندان وارد شود. بر این اساس، نقض تکلیف وفاداری توسط هر یک از زن و شوهر، علاوه بر عقوبت کیفری از ضمانت اجرای حقوقی نیز برخوردار است. زن یا شوهری که بدون توجه به قداست و احترام خانواده و جایگاه وفاداری در این کانون به خیانت اقدام می‌کند و با اقدام تقصیرآمیز خود موجب بروز صدماتی در طرف مقابل یا فرزندان

می‌شود، به موجب مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، ضامن خسارات و صدمات وارده شده است؛ لذا همسر یا فرزند زیان‌دیده از چنین خیانتی، می‌تواند نسبت به مطالبه جبران خسارت مادی و معنوی خود از طرف خطاکار اقدام کند. به علاوه، چنین تخلفی در صورتی که از سوی زن واقع شود، نشوز به شمار می‌رود و موجب از بین رفتن استحقاق او در گرفتن نفقه می‌شود و علاوه بر آن، دلیل مناسبی بر مطالبه طلاق از سوی مرد است؛ هرچند مرد بر اساس قانون، الزامی به توجیه در اعمال حق طلاق ندارد. هم‌چنین در صورت نقض تکلیف وفاداری از سوی مرد و در صورتی که رابطه نامشروع با زنان دیگر برای او به صورت عادت درآمد، زن می‌تواند به موجب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و با وجود شرایط مقرر در ماده ۱۱۳۰ این قانون، تحت عنوان سوء معاشرت و عسر و حرج از دادگاه تقاضای طلاق کند؛ افزون بر اینکه محکومیت قطعی شوهر به جرم داشتن رابطه نامشروع نیز از آنجا که با حیثیت و شئون خانوادگی طرف دیگر متعارض است در صورتی که موجب عسر و حرج برای زن شود، می‌تواند مستند درخواست طلاق همسر قرار گیرد. مبنای این مسئولیت، تجاوز از حکم قانون است نه تخلف از قرارداد نکاح؛ زیرا نکاح، تنها قراردادی خصوصی نیست، بلکه آثار چنین عقدی به حکم قانون بر طرفین تحمیل می‌شود؛ به همین دلیل مسئولیت همسر خطاکار در زمره مسئولیتهای قهری قرار می‌گیرد. البته چنانچه حق طلاق زوجه در صورت خیانت همسر یا محکومیت قطعی او در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگر شرط شده باشد، مسئولیت همسر خطاکار، قراردادی خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۳؛ خدادادپور، ۱۳۸۸: ۲۵۷ - ۲۵۹).

بنابراین در عرف و فرهنگ ما تأکید ویژه‌ای بر تکلیف وفاداری، و نقض وفاداری در فرهنگ اسلامی قبیح و ناپسند شمرده شده است (دیانی، ۱۳۸۷: ۱۵۴ و ۱۵۸؛ جعفرزاده، ۱۳۸۸: ۲۸۹؛ یوسف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۹ و ۱۱۳؛ خدادادپور، ۱۳۸۸: ۲۵۸). تعریف دقیقی از وفاداری بیان شده است: وفاداری به این معناست که زوجین، طرف مقابل را کانون عشق و توجه خویش قرار دهد و کشش‌های روحی و عاطفی خویش را بر همسرش متمرکز نماید. در این میان دیگران راهی ندارند و نباید به حریم زوجین راه یابند مگر جایی که عرف اجازه دهد؛ به طور مثال در رابطه با خویشاوندان نزدیک و فرزندان. وفاداری را در دو سطح می‌توان مطرح کرد: اولاً از برقراری رابطه جنسی یکی از زوجین با دیگران اعم از اینکه زنا و یا هم‌جنس‌گرایی باشد، خودداری شود. ثانیاً یکی از زوجین با بیگانه‌ای روابط نامتعارف و غیر ضروری برقرار نکند؛ از جمله تماس تلفنی و نامه‌نگاری؛ زیرا اگر این رفتارها هم استمرار داشته باشد با توجه به قاعده اخلاقی که بیان می‌کند

اصرار بر گناهان کوچک خود گناهی بزرگ است، باید قائل به خیانت شد (حیدرپور، ۱۳۸۵: ۱۲۴ و ۱۲۵). هم‌چنین می‌توان گفت وظایف همسری نشان‌دهنده وفاداری زوجین نسبت به یکدیگر است؛ زیرا زمانی که زوجین خود را به وظایف شرعی ملتزم می‌دانند، وفاداری خود را اثبات کرده‌اند. عفت و پارسایی جنسی، عدم تنوع‌طلبی و تمکین جنسی، محبت زوجین به یکدیگر و اخلاص در عشق و محبت از جمله مهمترین عناصر وفاداری است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۶). می‌توان گفت وفاداری یکی از لوازم حسن معاشرت زوجین نسبت به یکدیگر است (شریف، ۱۳۷۷: ۹۳؛ عاملی، ۱۳۵۰: ۷۱؛ قادری، ۱۳۸۶: ۲۲۳؛ خدادادپور، ۱۳۸۸: ۲۵۶ تا ۲۵۸)؛ هم‌چنین یکی از لوازم تشدید مبانی خانواده است (حمیتی واقف، ۱۳۸۶: ۱۱۳ - ۱۱۵؛ زمانی درمزاری، ۱۳۸۷: ۵۸). البته این امر در عمل تفاوت چندانی ندارد؛ زیرا وفاداری از لوازم حسن معاشرت در زندگی مشترک است تا محیطی امن برای افراد ایجاد شود و در مسیر رشد و تعالی گام بردارند. تشدید مبانی خانوادگی هم از لوازم حسن معاشرت است؛ بنابراین وفاداری در قالب نظریات یاد شده ذکر شده است که با رعایت آن بین زوجین اعتماد و ارتباط سالم برقرار می‌شود و طرف مقابل هم از خود وفاداری متقابل نشان می‌دهد و در نتیجه دو نهاد خانواده و اجتماع نیز حفظ می‌شود.

۳-۱- وفاداری و اصل حسن نیت

از لوازم عرفی و مسلم هر قرارداد خصوصی مربوط به روابط مالی، رعایت اصل حسن نیت و پایبندی به مفاد و مضمون قرارداد است. به طریق اولی در روابط غیرمالی و اخلاقی و عاطفی لزوم رعایت اصول اخلاقی و وفاداری نسبت به یکدیگر باید رعایت شود (صفایی، ۱۳۸۹: ۲۳۲). زوجین با وقوع نکاح به‌طور ضمنی متعهد می‌شوند در روابطشان با یکدیگر حسن نیت داشته باشند که یکی از مهمترین مواردی که باید به‌موجب این اصل رعایت شود، وفاداری زوجین به یکدیگر است؛ زیرا یکی از اصول اخلاقی بسیار مهم در زندگی مشترک، وفاداری و پایبندی زوجین به یکدیگر است.

۳-۲- نقض وفاداری

در زمینه نقض وفاداری سه نظریه قابل طرح است که در ذیل به آنها پرداخته شده و نظر برتر مورد بررسی قرار گرفته است:

نظریه اول: مردی که در روابط زناشویی، پارسایی ذهنی ندارد؛ بی‌وفا تلقی می‌شود؛ بدین معنا که هنگام برقراری روابط زناشویی، زن بیگانه‌ای را در ذهن خویش در نظر می‌گیرد؛ زیرا در زمان عقد نکاح تعهد کرده‌است که فقط به طرف مقابل عقد یعنی همسر خویش نظر داشته باشد

(پاک‌نژاد، ۱۳۶۴: ۱۱۱).

نظریه دوم: زمانی که یکی از زوجین با بیگانه‌ای روابط نامتعارف و غیرضروری برقرار کند از جمله تماس تلفنی و نامه‌نگاری؛ زیرا اگر این رفتارها هم استمرار داشته باشد با توجه به قاعده اخلاقی که بیان می‌کند اصرار بر گناهان کوچک خود گناهی بزرگ است، باید قائل به خیانت شد (حیدرپور، ۱۳۸۵: ۱۲۴ و ۱۲۵).

نظریه سوم: نقض وفاداری، داشتن رابطه نامشروع با غیر همسر است (جوکار، ۱۳۹۰: ۹۴ و ۹۵؛ روشن، ۱۳۸۹: ۷۷ و ۷۸). بنابراین برقراری رابطه جنسی یکی از زوجین با دیگران اعم از اینکه زنا و یا هم‌جنس‌گرایی باشد، نقض وفاداری به شمار می‌رود. در این دیدگاه، وفاداری به این معناست که زوجین، طرف مقابل را کانون عشق و توجه خویش قرار دهد و کشش‌های روحی و عاطفی خویش را بر همسرش متمرکز کند؛ لذا در اینجا تأکید ویژه بر این است که هر یک از زوجین از برقراری رابطه جنسی با دیگران اعم از اینکه زنا و یا هم‌جنس‌گرایی باشد، خودداری کنند (حیدرپور، ۱۳۸۵: ۱۲۴ و ۱۲۵).

از میان نظریه‌های ذکرشده، نظر سوم برتری دارد. اگرچه نهاد خانواده مقدس است و با رعایت مواردی که در این دیدگاه‌ها طرح شده، حرمت این نهاد حفظ می‌شود از نظر حقوقی نمی‌توان به‌صرف این‌که همسر تصور شخص دیگری را در ذهن دارد و یا اینکه تماس تلفنی با دیگری داشته است به زیان‌دیده اجازه طلاق داد. باید در جهت استحکام و پایداری این نهاد گام برداشت و به افراد این اجازه را ندهیم که بسادگی این نهاد مقدس را متزلزل کنند. خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای در اجتماع دارد و تزلزل خانواده به معنای نابودی اجتماع است. خانواده نهادی است که شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد و رشد می‌کند و در نتیجه باعث رشد اجتماع می‌شود؛ پس باید به گونه‌ای اندیشید که این نهاد پایدار باقی بماند و هرکسی بسادگی نتواند آن را برهم‌بزند. در جریان فروپاشی خانواده فرزندان بیش از والدین لطمه می‌بینند؛ پس باید طوری عمل شود که کمتر آسیب بینند. هم‌چنین هم‌اکنون در دادگستری و دادگاه‌ها پرونده‌های خانواده رو به افزایش است؛ لذا با پذیرش این نظر می‌توان تا حدودی به این مسئله کمک کرد و تعداد پرونده‌ها را کاهش داد.

۳-۳- ماهیت وفاداری زوجین در علم حقوق

همان‌طور که بیان شد از دیدگاه حقوقی، شایسته است نظریه‌ای موردپذیرش واقع شود که آسیب کمتری به کانون خانواده وارد کند، بنابراین به‌منظور جلوگیری از فروپاشی ساده این نهاد مقدس با پذیرش دیدگاه حقوقی یاد شده در مجموع می‌توان گفت در این پژوهش، ماهیت

وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی این است که زوجین از برقراری رابطه نامشروع با دیگران (اعم از زنا، لواط و یا مساحقه) خودداری کنند؛ همچنین با توجه به اینکه حکم وفاداری از سوی زوجین طرفینی است با رعایت این مسئله، بین زوجین اعتماد و ارتباط سالم برقرار می‌شود و طرف مقابل نیز از خود وفاداری متقابل نشان می‌دهد و موجب برقراری نظم عمومی و عفت اجتماعی نیز می‌گردد و در نتیجه دو نهاد خانواده و اجتماع نیز حفظ می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بیان شد که وفا از ریشه «وفی» و به معنای چیزی را به تمام و کمال رساندن است. وفاداری به عهد و پیمان در شرع و قانون مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا وفای به عهد در فطرت انسان ریشه دارد و به همین دلیل نقض عهد و پیمان در جامعه انسانی بشدت مورد نکوهش قرار گرفته است. نکاح نهادی است که محصول آن زوجیت است و از اصول تحکیم خانواده و پایداری زوجیت نیز وفاداری زوجین است. زوجین پس از ازدواج باید وفادار باشند و با داشتن رفتاری صحیح و سالم، وفاداری خویش را به یکدیگر نشان دهند. نقض اصل وفاداری، خانواده را در معرض انحلال قرار می‌دهد و پس از آن شاهد نابودی تدریجی اجتماع خواهیم بود؛ زیرا این دو نهاد در یکدیگر تأثیر متقابل دارد و زوال و بقای هر کدام در دیگری مؤثر است. می‌توان گفت حسن معاشرت مفهومی عرفی دارد و یکی از تکالیف غیرمالی مشترک زوجین است. اگرچه در قانون مدنی با نبودن ماده‌ای که صریحاً وفاداری را تکلیف شمرده باشد، روبه‌رو هستیم، این مطلب از ماده ۱۱۰۳ این قانون به‌آسانی قابل استنباط است. همچنین دلیل سکوت قانونگذار، بدیهی بودن این مسئله است؛ لذا وفاداری زوجین نسبت به یکدیگر را نیز می‌توان از مصداقهای حسن معاشرت تلقی کرد. در این پژوهش در نهایت ماهیت وفاداری زوجین در حوزه‌های روانشناسی، فقه و حقوق به نحو ذیل تبیین شد:

الف) در علم روانشناسی، وفاداری را می‌توان در قالب سه نظریه بیان کرد که عبارت است از: وفاداری عاطفی، جنسی و ترکیبی از این دو؛ لذا در مجموع می‌توان گفت ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه روانشناسی این است که هر یک از زوجین، شخص سومی را در رابطه خویش وارد نکند (خواه در قالب ارتباط عاطفی کوچک و یا حتی برقراری رابطه جنسی) و به رابطه‌ای که بین ایشان شکل گرفته است خیانت نکند.

ب) در حوزه فقه بحث وفاداری صریحاً مورد اشاره قرار نگرفته و توجه ویژه‌ای به مسئله وفای به عهد معطوف شده است؛ اما با عنایت به آیات و روایات شامل آموزه‌هایی نسبت به لزوم وفاداری زوجین و با توجه به اینکه وفاداری زوجین، نوعی وفای به عهد در عقد ازدواج است در مجموع می‌توان گفت ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه فقهی التزام کامل در پیمان زناشویی و تعهدات اخلاقی و پایبندی عاطفی و جنسی است.

ج) در حوزه حقوق نیز باید گفت در قانون صریحاً به تکلیف وفاداری اشاره نشده است، بلکه تحت عنوان یکی از مصداقهای حسن معاشرت مورد توجه واقع شده است؛ لذا هرچند این تکلیف با تصریح در مقررات قانونی نیامده، بدیهی بودن این امر و نیز عرف و عادت مسلم و مقررات جزایی در حقوق ایران حاکی از حاکمیت آن است. درنهایت، بی‌وفایی در قالب سه دیدگاه تبیین شد: ۱- مردی که در روابط زناشویی، پارسایی ذهنی ندارد، بی‌وفا تلقی می‌شود؛ بدین معنا که هنگام برقراری روابط زناشویی، زن بیگانه‌ای را در ذهن خویش در نظر می‌گیرد؛ زیرا در زمان عقد نکاح تعهد کرده است که فقط به طرف مقابل عقد یعنی همسر خویش نظر داشته باشد. ۲- زمانی که یکی از زوجین با بیگانه‌ای روابط نامتعارف و غیرضروری برقرار کند؛ از جمله تماس تلفنی و نامه‌نگاری. ۳- برقراری رابطه جنسی یکی از زوجین با دیگران اعم از اینکه زنا و یا هم‌جنس‌گرایی (لواط، مساحقه) باشد؛ لذا از میان این نظریات، دیدگاه سوم برتری دارد که بیانگر خودداری نمودن زوجین از برقراری رابطه نامشروع با دیگران است. از دیدگاه حقوقی می‌توان گفت ماهیت وفاداری زوجین این است که زوجین از برقراری رابطه نامشروع با دیگران (اعم از زنا، لواط و یا مساحقه) خودداری کنند. در مجموع با توجه به اینکه باید نظریه‌ای مورد پذیرش واقع شود که آسیب کمتری به کانون خانواده وارد کند، می‌توان به منظور جلوگیری از فروپاشی ساده این نهاد مقدس، این دیدگاه حقوقی را پذیرفت و این‌گونه در جهت پایداری خانواده و تعالی جامعه گام برداشت.

در مجموع با بررسی ماهیت وفاداری زوجین در حوزه‌های روانشناسی، فقه و حقوق، چنین برمی‌آید که هر سه حوزه به پایداری در همبستگی عاطفی و جنسی و بویژه بر پایبندی از دید جنسی اشاره دارند.

پیشنهادهای راهبردی این پژوهش به شرح ذیل است:

الف) از نظر حقوقی می‌توان گفت با پذیرش این نظریه حقوقی، آسیب کمتری به کانون خانواده وارد می‌شود؛ لکن می‌توان برای موارد دیگر نیز ضمانت اجرای خفیف‌تری نظیر شرکت

در کلاسهای آموزشی و یا جریمه مالی در نظر گرفت و این گونه در جهت استحکام و پایداری این نهاد گام برداشت و بسادگی به افراد اجازه متزلزل نمودن این نهاد مقدس را نداد.

ب) لازم است اشخاص از نظر اخلاقی و عقیدتی آموزشهای لازم را ببینند تا برای آنها نهادینه شود؛ لذا پیشنهاد می شود با اقداماتی نظیر ایجاد واحدهای درسی در مدارس و دانشگاه ها و برگزاری کلاسهای آموزشی برای اشخاص، آنها را از نظر اخلاقی و عقیدتی تقویت کرد تا آمادگیهای لازم را در این زمینه به دست آورند و به یکدیگر پایبند باشند. دولت نیز می تواند با سرمایه گذاری فرهنگی در این زمینه تا حد زیادی پیشگیری لازم را انجام دهد.

ج) باید گفت دلیل سکوت قانونگذار از تصریح به تکلیف وفاداری، بدیهی بودن این مسئله است؛ با وجود این شایسته است قانونگذار موادی را به این تکلیف مهم اختصاص دهد. این امر سبب می شود زوجین به این مسئله توجه بیشتری کنند. هم چنین به دلیل اینکه در جریان فروپاشی خانواده، فرزندان بیش از والدین لطمه می بینند، باید به گونه ای عمل کرد که آسیب کمتری به آنها وارد شود. بنابراین در راستای پایداری و تحکیم نهاد خانواده و جلوگیری از فروپاشی ساده این نهاد مقدس و هم چنین با توجه به افزایش روزافزون پرونده های خانواده در دادگستری و دادگاه ها با پذیرش این دیدگاه حقوقی می توان تا حدودی به این مسئله کمک کرد و تعداد پرونده ها را کاهش داد؛ لذا امید است با عنایت ویژه قانونگذار به این امور به ظاهر بدیهی، که در واقع پایه و اساس نظام خانوادگی را تشکیل می دهد، زوجین پایبندی بیشتری به یکدیگر داشته باشند و در نتیجه، رشد و تعالی نظام خانواده و اجتماع را شاهد باشیم.

یادداشتها

- ۱ - «یا ایها الذین آمنوا لا یجل لکم ان ترثوا النساء کرهاً و لا تغضلوهن لیتذهبنوا ببعض ما اتیتوهن الا ان یتینا بفاحشه مبینة و عاشروهن بالمعروف فان کرهتوهن فعی ان تکرها شیئاً و یجعل الله فیہ خیراً کثیراً»
- ۲ - «و من آیاتہ ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لیسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة...»
- ۳ - «الطلاق مرتان فایساک بمعروف او تسریح بإحسان...»
- ۴ - «...واتمروا بینکم بمعروف...»
- ۵ - «...هن لباس لکم وانتم لباس لهن...»
- ۶ - «...ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف...»
- ۷ - «...فأشیکوهن بمعروف او سرخوهن بمعروف ولا تمسکوهن ضراً لیتختلوا...»
- ۸ - قال رسول الله (ص): إن الرجل إذا نظر إلى امرأته و نظرت إليه نظر الله تعالى إليهما نظر الرحمة.

- ۹ - قال الامام الباقر(ع): من اتخذ امرأة فليكرمها فإنما امرأة أحدكم لعبة فمن اتخذها فلا يضيعها.
- ۱۰ - قال الامام السجاد(ع): وأما حق الزوجة فأن تعلم أن الله عزوجل جعلها لك سكنا وانسا فتعلم أن ذلك نعمة من الله عليك فتكرمها وترفق بها ، وإن كان حقك عليها أوجب فان لها عليك أن ترحمها لانها أسيرك وتطعمها وتكسوها وإذا جهلت عفوت عنها.
- ۱۱ - قال الامام الصادق(ع): لا غنى بالزوج عن ثلاثة أشياء فيما بينه وبين زوجته وهي الموافقة ليجتلب بها موافقتها ومحبتها و هواها، و حسن خلقه معها ، و استعماله استماله قلبها بالهيئة الحسنه في عيها، وتوسعه عليها. ولا غنى بالزوجة فيما بينها وبين زوجها الموافق لها عن ثلاث خصال وهن : صيانته نفسها عن كل دنس حتى يطمئن قلبه إلى الثقة بها في حال المحبوب و المكروه، و حياطته ليكون ذلك عاطفا عليها عند زلة تكون منها، و إظهار العشق له بالخلاية والهيئة الحسنه لها في عينه.
- ۱۲ - قال الامام علي(ع): فدارها على كل حال و احسن الصحبة لها ليصفو عيشك.
- ۱۳ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): خيركم لأهله و أنا خيركم لأهلي ما أكرم النساء إلكا كريم و لا أهانهن إلكا لئيم.
- ۱۴ - «...وَمَنْ أَوْفَى بَعْهْدِهِ مِنَ اللَّهِ...»
- ۱۵ - «...فَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ...»
- ۱۶ - «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ»
- ۱۷ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...»
- ۱۸ - «...وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»
- ۱۹ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُؤْفُونَ الْمُطِيبُونَ.
- ۲۰ - قال الامام علي(ع) لِلْمَالِكِ الْأَشْتَرِ: لَا تَخْسِنَنَّ بِعَهْدِكَ وَ لَا تَخْتَلِنَنَّ عِدْوَكَ فَإِنَّهُ لَا يَجْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ .
- ۲۱ - قال الامام علي(ع): إِنَّ عَقْدَتَ بَيْتِكَ وَ بَيْنَ عِدْوِكَ لَكَ عَقْدَةٌ فَحُطُّ عَهْدِكَ بِالْوَفَاءِ. فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ إِجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَّتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ .
- ۲۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): ثلاثٌ ليس لأحدٍ الناس فيه رخصةٌ: برُّ الوالدينِ مسلما كان أو كافرا و الوفاءُ بالعهدِ لمسلمٍ أو كافرا و الأمانةُ إلى مسلمٍ كان أو كافرا.
- ۲۳ - «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ؛ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...»
- ۲۴ - «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُبْدِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»
- ۲۵ - «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»
- ۲۶ - «...وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»
- ۲۷ - «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»
- ۲۸ - «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»

- ۲۹ - «...والموفون بعهدهم إذا عاهدوا...»
- ۳۰ - «...و أوفوا بالعهد إن العهد كان مسؤلاً»
- ۳۱ - «و الذين هم لفروجهم حافظون»
- ۳۲ - «إلا على أزواجهم أو ما ملكت أيمانهم فإنهم غير ملومين»
- ۳۳ - «إن المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات والقانتین والقانتات والصادقین والصادقات والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات والمصدقین والمصدقات والصابغین والصابغات والحافظین والحافظات والذاکرین والذاکرات اللّهُ کثیراً والذاکرات أعداء اللّهُ لهنّ مغفرةٌ وأجرٌ عظیماً»
- ۳۴ - قال الامام الصادق(ع): انظر ستم من سهام ابليس مسموم و کم نظره اورنت حسره طویلہ.
- ۳۵ - قال الامام الصادق(ع): من نظر الى اثره فرقع بصره الى السماء أو غمض بصره لم يرتد اليه بصره حتى يزوجه الله من الخور العين.
- ۳۶ - قال رسول الله(ص): خير نساتكم العفيفة، العلمة، عفيفة في فرجها، غلمة على زوجها.
- ۳۷ - قال رسول الله(ص): العفاف زينة النساء.
- ۳۸ - قال رسول الله(ص): اضمنوا لي سبأ من أنفسكم اضمن لكم الجنة اصدقوا إذا حدثتم وأوفوا إذا وعدتم وأدوا إذا تميتم واحفظوا فروجكم وغضوا أبصاركم وكفوا أيديكم.
- ۳۹ - قال رسول الله(ص): عفاوا تعف نساؤكم.
- ۴۰ - قال الامام الصادق(ع): برؤا آباءكم يبركم أبناءكم وعفاوا عن نساء الناس تعف نساؤكم.
- ۴۱ - قال رسول الله(ص): شرار نساتكم المفقرة الدنسة اللجوجة العاصية، الذليلة في قومها، العزيزة في نفسها، الحصان على زوجها، الهلوك على غيره.
- ۴۲ - قال الامام الصادق(ع): ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا يزيكهم ولهم عذاب اليم: الشيخ الزاني، والديوث، والمرأة توطئ فراش زوجها.
- ۴۳ - قال أمير المؤمنين(ع): ألا اخبركم بأكبر الزنا؟ قالوا: بلى، قال: هي امرأة توطئ فراش زوجها فتأتي بولد من غيره فتلزمه زوجها، فتلك التي لا يكلمها الله ولا ينظر اليها يوم القيامة ولا يزيكها ولها عذاب أليم.
- ۴۴ - قال رسول الله(ص): يا على أربعة من قواصم الظهر: إمام يعصى الله ويطاع أمره، وزوجه يحفظها زوجها وهي تخونه، وفقير لا يجد صاحبه مدارياً، وجار سوء في دار مقام.
- ۴۵ - قال الامام الباقر(ع): إن الله عز و جل يُبغضُ كُلَّ مُطْلَاقِ ذَوَاتِهِ.

منابع

قرآن کریم

- احمدیه، مریم (۱۳۸۲). موازنه حقوق و اخلاق در خانواده. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی زنان.
- اسکندری، مریم (۱۳۸۳). آموزش حقوق خانواده به زبان ساده. رشت: نشر حق شناس.
- امامی، سیدحسن (۱۳۷۷). حقوق خانواده حقوق مدنی. ج چهارم. تهران: نشر کتاب فروشی اسلامیه.

- امینی، ابراهیم (۱۳۸۶). *آشنایی با وظایف و حقوق زن*. قم: بوستان کتاب قم (مرکز چاپ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- پاک‌نژاد، رضا (۱۳۶۴). *روش شوهرداری در اسلام*. تهران: نشر بعثت.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۴). *نهج الفصاحه*. تهران: نشر جاویدان.
- ترسلی، زهرا (۱۳۸۲). *حقوق غیر مالی زن در خانواده*. دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). دوره ۸، ش ۲۹: ۸۳-۱۱۵.
- جعفرزاده، علی (۱۳۸۸). *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات نگاه بینه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ج پنجم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جلالی، سیدمهدی (۱۳۸۹). *حقوق خانواده*. ج اول. تهران: نشر خرسند.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۰). *حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی*. پژوهشنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده. دوره ۴، ش ۸: ۷۹ تا ۱۱۶.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۴ هـ.ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. مجلدات ۵ و ۱۲ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۲. قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام لإحياء التراث.
- حسینی، علیرضا (۱۳۸۸). *حقوق متقابل زوجین*. دامغان: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- حقیقت‌خواه، محمد (۱۳۸۵). *وفای به عهد و پیمان در قاموس قرآن، حدیث و آزادمدان*. ماهنامه طوبی. ش ۶: ۸۹.
- حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۸۶). *حقوق مدنی ۵ خانواده*. تهران: انتشارات دانش نگار.
- حیدرپور، البرز (۱۳۸۵). *حقوق خانواده*. اهواز: انتشارات مه‌زیار.
- خدادادپور، منیره (۱۳۸۸). *مسئولیت مدنی در روابط زوجین، مطالعه تطبیقی در برخی کشورهای اروپایی و اسلامی*. تهران: مرکز امور زنان و خانواده، نهاد ریاست جمهوری.
- داور، زهرا (۱۳۸۲). *حسن معاشرت از دیدگاه قانون مدنی و جامعه*. تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). *لغت‌نامه (حرف و)*. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۷). *حقوق خانواده*. تهران: نشر میزان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۰). *المفردات فی غریب القرآن*. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: المکتبه‌المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه.
- رسایی‌نیا، ناصر (۱۳۷۹). *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات بینه.
- رستگار، عبدالکریم (۱۳۸۳). *سیری در حقوق خانواده*. بوشهر: انتشارات شروع.
- رسولی، محمد (۱۳۸۷). *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات آوای نور.
- روشن، محمد (۱۳۸۹). *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- زمانی درمزاری، محمدرضا (۱۳۸۷). *حقوق خانواده به زبان ساده*. تهران: نگاه بینه.

- زین‌العابدین، وجیه (۱۳۷۷). پیام زندگی. ترجمه مصطفی اربابی. تهران: نشر احسان.
- شاملی، عباسعلی (۱۳۸۰). منزلت زن در کلام امیرالمؤمنین (ع). فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. دوره ۴. ش ۱۱: ۳۹ تا ۲۴.
- شریعتمداری، محمودرضا (۱۳۸۹). حقوق زوجین. تهران: انتشارات آوای نور.
- شریف، علی (۱۳۷۷). حقوق مدنی خانواده. تهران: نشر دنیای نو.
- شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین (۱۳۸۳). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات پارسایان.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی. ج دوم. تهران: نشر میزان.
- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۳). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مجلدات ۱۵ و ۱۶. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، باقر (۱۳۵۰). حقوق خانواده. تهران: نشر مدرسه عالی دختران ایران.
- عراقی، سیدعزت‌الله (۱۳۶۹). آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست. تهران: نشر راهنما (شرکت سهامی خاص).
- عسکری، حسین (۱۳۸۰). نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی طلاق. تهران: انتشارات گفتگو.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۷). مبانی حسن معاشرت به معروف در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم. دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). دوره ۱۲. ش ۴۸: ۱ تا ۲۳.
- عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ عمید. تهران: نشر امیرکبیر.
- قادری، نعمت‌الله (۱۳۸۶). حق و تکلیف در کتاب و سنت. کرج: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- قزوینی، محمدابراهیم (۱۳۹۰). بررسی فقهی حقوقی حقوق خانواده. تهران: انتشارات راه نوین.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). حقوق مدنی خانواده. ج اول. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۸). ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کاوه، سعید (۱۳۸۷). همسران و بی‌وفایی و خیانت. تهران: انتشارات سخن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۶). الاصول من الکافی. مصحح: علی اکبر غفاری. مجلدات ۵ و ۶. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گواهی، زهرا (۱۳۷۳). بررسی حقوق زنان در مسأله طلاق. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- مؤمنی جاوید، مهرآور؛ شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۰). دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط/با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای. تهران: انتشارات آوای نور.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). بحار الانوار. مجلدات ۷۴ و ۷۸ و ۱۰۳. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۳). قواعد فقه. ج دوم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. ج سیزدهم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *مجموعه آثار ۱۹ (نظام حقوق زن در اسلام، مسئله حجاب، پاسخهای استاد، اخلاق جنسی)*. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: نشر ندا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *گفتار معصومین علیهم السلام*. ج اول. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). *تفسیر نمونه*. مجلدات ۴ و ۱۲ و ۱۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۳۷۹). *قواعد فقهیه*. ج اول. تهران: مؤسسه عروج.
- میرخانی، عزت السادات (۱۳۷۸). *تأکید بر اخلاق، تلطیف در حقوق، دو ضرورت ناگسستنی (۳): گستره وظایف مردان در قانون. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*. دوره ۲. ش ۴: ۲۶ تا ۴۱.
- میرخانی، عزت السادات (۱۳۷۹). *رویکردی نوین در روابط خانواده*. تهران: نشر سفیر صبح.
- نجفی پازوکی، فاطمه (۱۳۷۸). *حقوق زوجین در اسلام. ماهنامه دادرسی*. دوره ۳. ش ۱۷: ۶۵ تا ۷۱.
- نقیبی، سید ابوالقاسم؛ زمانی، زری (۱۳۹۰). *نقش وفاداری در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*. دوره ۱۳. ش ۵۲: ۷ تا ۵۳.
- یوسفزاده، مرتضی (۱۳۹۰). *حقوق مدنی ۵*. تهران: شرکت سهامی انتشار.